



بزنم و دستمزد بگیرم! همان جاسرانگشتی حساب کردم، دیدم دستمزدم به اندازه دو تا ماشین سانتافه می شده [خنده]. اصلاً به فکر این چیزها نبودم. من فقط می خواستم بهترین کارها را برای مردم انجام بدهم. یکی از ایده های دکتر نعمتی تشکیل یک مرکز تحقیقاتی گوش و حلق و بینی بود.

با وجود مخالفت هایی که در دانشگاه صورت گرفت، این مرکز تحقیقاتی کارش را آغاز کرد و امروز بعد از گذشت شانزده سال، بیش از ۱۱۲ مقاله در این مرکز نوشته شده که ۲۵ تا از مقاله ها جزو مقاله های برتر جهان هستند. سال ۱۳۸۹ یک اتفاق ویژه در مرکز تحقیقات رخ داد که جزو آرزوهای دکتر در مرکز تحقیقات بود:

داخل مرکز تحقیقات نشسته بودیم و با استادان صحبت می کردیم. در آن زمان مطرح کردم که جزو آرزوهای بخش ما این است که کاشت حلزون راه بیندازیم. کاشت حلزون در رشته گوش و حلق و بینی، نهایی ترین مرحله است؛ یعنی آخرین حدی که مادر رشته خودمان می توانیم به مریض ها خدمت کنیم، همین عمل است. راه اندازی مرکز کاشت حلزون جزو آرزوهای همیشگی ام بود. تکنولوژی اش هم در اختیار هر دانشگاهی قرار نمی گیرد.

اگر مرکزی این امتیاز را داشته باشد، قطب درمانی بخش وسیعی خواهد شد. رسیدن به این هدف کار پیچیده و دشواری بود. دکتر نعمتی هر چه مجوز کاشت حلزون را پیگیری می کرد به نتیجه نمی رسید. از استانداردی گرفته تا نماینده شهر و رئیس دانشگاه را دید؛ حتی به برنامه و بودجه استان هم سری زد؛ اما حرفشان نه بود. می گفتند تهران نزدیک ترین مرکز است و می تواند گیلان را هم پوشش بدهد؛ اما دکتر اعتقاد داشت این اتفاق باید حتماً در گیلان رخ بدهد:

آن ها دوست داشتند این عمل یک چوری انحصاری باشد و امتیازش را به هر کسی ندهند. واقعا هم عمل ظریفی است و هر جراحی قابلیتش را ندارد. باید زیر ساخت ها و قابلیت های علمی و فنی وجود داشته باشد که کمیته کشوری اعتماد کند.

ماشین بغلی برایم دست نکان می دهد و با خنده می گوید: «سلام دکتر نعمتی. شما لوزه من رو عمل کردید»، تمام آن پیشنهادهای اما و اگرها از ذهنم پاک می شود. انتخاب من درمان درد بود؛ حالا کنار خرابه های زلزله یاد اخل درمانگاه گوش و حلق و بینی. من این انتخاب را با هیچ چیز دیگری عوض نمی کنم. وقتی وارد گیلان شد، سال ۱۳۸۵ جراحی های آندوسکوپی سینوس درد پیشرفته را راه انداخت.

حتی بعضی عمل های جراحی چشم و مجاری اشکی را بدون برش با آندوسکوپی سینوس عمل کردند؛ کارهایی که برای اولین بار در گیلان انجام می شد. سال ۱۳۸۶، یک سال از آمدنش به استان می گذشت که یکی از بچه های اداری مالی سری به دکتر نعمتی زد و نکته جالبی گفت: «دکتر، شما هر عمل جراحی ای که انجام می دید، ضریب داره؛ مثلاً عمل جراحی لوزه ۲ و ۵ دهم k داره. جراحی گوش ۳۰ هست. شما اینها رو توی صورت حساب می زنی؟»

من یک سال شبانه روز جراحی کرده بودم و اصلاً نمی دانستم و به فکرم نرسیده بود که باید k

”

واقعیت این است که من با توجه به کارنامه علمی پژوهشی ام می توانستم خیلی شیک و اتوکشیده و کراوات زده در تورنتو قدم بزنم، کسب و کار راه بیندازم، درآمد خوبی داشته باشم، کلاس داشته باشم یا در مؤسسات پژوهشی پژوهش کنم؛ اما عقیده من این است که باید بین کم و کسری های مردم خودم باشم و به آن ها خدمتی بکنم